

(فهرست اغلاط کتاب "تذکره سماج افکار" (تایید نظم) (اعطای شماره ۱۵۰ در فهرست شماره ۹۰)

صفحه	سطر	عظ	صحیح	صفحه	سطر	عظ	صحیح
۲	۳	م	۵	۱۲	۸	م	۵
۱۸	۱۴	با عیانت	۱۸	۲۸۲	۸	م	۱۲
۲۰	۶	نور مانی	۲۰	۲۸۵	۲	براز	۲۰
۲۴	۲	برز	۲۴	۲۸۹	۳	سیگر و جان	۲۴
۵۲	۳	جانما	۵۲	۳۲۶	۱۶	چون	۵۲
۶۹	۱	خرد ارد	۶۹	۳۳۰	۱۴	خط	۶۹
۹۴	۴	وصیت گراما	۹۴	۳۴۱	۱۲	کیفا	۹۴
۱۱۴	۱۵	درود دل	۱۱۴	۳۴۲	۱	حوان	۱۱۴
۱۴۹	۱۱	خویش تن	۱۴۹	۳۶۶	۱۴	یاد دلت	۱۴۹
۱۷۳	۱۲	و بام	۱۷۳	۳۷۹	۲	بیس	۱۷۳
۱۸۶	۲	برو از غم	۱۸۶	۳۸۶	۳	صغیر	۱۸۶
۲۰۱	۱۶	برق راه است	۲۰۱	۳۹۰	۲	مهر و کیفیت	۲۰۱
۲۱۵	۶۵	می افکنند	۲۱۵	۴۱۶	۵	محمد	۲۱۵
				۴۲۱	۴	بر شکای	
					۵	محمد	

(تذکره سماج افکار) (تایید نظم) (اعطای شماره ۱۵۰ در فهرست شماره ۹۰) (تذکره سماج افکار) (تایید نظم) (اعطای شماره ۱۵۰ در فهرست شماره ۹۰)

دینوری (۱۵۰) به راز (دینوری) سیگر و جان (سیگر و جان) چون (چون) خط (خط) کیفا (کیفا) حوان (حوان) یاد دلت (یاد دلت) بیس (بیس) صغیر (صغیر) مهر و کیفیت (مهر و کیفیت) محمد (محمد) بر شکای (بر شکای) محمد (محمد)



کتاب  
تذکره و نیشاهی خاں لاکھ

تالیف  
محمد قدرت اللہ گوپاموی (ہندوستان)

ناشر اردو شیر بن شاہی فرزند خدارحم مرزبان الہ آبادی

خاں



در بندر مشہورہ بمبئی بزیور چاپ آراستہ گردید  
تاریخ اتمام چاپ پانزدہم دیکمہ ۱۳۳۶ھ  
در چانچہ سلطانہ بمبئی

حق چاپ در ہمہ جا محفوظ است کسی بدون اجازتہ ناشر طبع نفرماید  
بہائی جلد در ہند ۸ روپیہ علاوہ معمول ڈاک پور ایران ۱۵۰ ریال

۱۳۳۶  
۵

# سراغاز

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی گنیم باز  
 ای کارگشای هر چه هستند نام تو کلید هر چه بستند

در سفر اسماعیل حمید آباد کن که مرکز زبان فارسی  
 در هندوستان است تصادف روزگار مرا بکتابخانه آشنا کرد و  
 در میان کتب چاپی آن کتابخانه به تذکره ای که در صفحات بعد ضبط  
 خوانندگان محترم میرسد دست یافتم چون هنوز تا کنون این  
 تذکره بچاپ نرسیده است ولی نام کتاب و مؤلف آنرا کم و  
 بیش از اهل تحقیق شنیده بودم در صد و چاپ آن بر آدم  
 و خدایا سپاسگزارم که توفیق انجام این خدمت را نصیبم کرد  
 این تذکره خصوصیات دارد که در یک مقدمه ای که بر آن نوشته شده  
 است شرح داده شده و تکرار آنرا ناشر زاید میدانند آنچه را که در  
 اینجا باید بگویم این است که جز این نسخه ای که متن قرار داده ام به  
 نسخه خطی دیگر دسترس نیافتم تا پس از مقابل و تصحیح بچاپ  
 برسانم شاید هم نسخه غیر از این موجود نباشد و اگر هم در جایی

موجود است ناشر از آن اطلاعی ندارد و در برخی صفحات کلمات افتاده  
 و یا غلط رسم الخط شده است که ناشر اثر تصحیح و در پاورقی نموده  
 ام. اگر در متن بکلمات ناآشنا و یا بیگانه برخورد نمودم آنها  
 را نیز در پاورقی و حاشیه تصحیح و معنی درست آنرا نداده ام.  
 چون نویسنده این تذکره مکتب هندی است و فارسی را در سر  
 زمین هند فراگرفت است خواه و ناخواه بر زبان و قلم او کلمات  
 هندی و یا بیگانه جاری شده است که اینهم در مقابل این کتاب  
 عظیم بسیار ناچیز است. فارسی مؤلف خوب و قابل فهم  
 هر فارسی زبان و فارسی دان است بر خلاف مطالب روزنامه  
 های ایران که با هیچ رطل واسطه لابی برای فارسی دانان قابل  
 حل و فهم نیست شاید جای آن داشت که این مجموعه هم بر ذخایر  
 ادبی ما افزوده شود و منت خدای را جل و شانه سزا است که توفیق  
 نشر و چاپ آنرا یا قسیم امید است که این خدمت ناچیز را اهل  
 فضل و ادب بدیده محبت نگرند و در راه نظمیت تاریخ ادبیات مساعی  
 بدانش مندان و اهل تحقیق باشد. بقدر امکان کوشش شده  
 است که کتاب بدون غلط چاپی باشد ولی باز هم اگر کلمه از زیر  
 دست ناشر بیرون رفت است از اشخاص فاضل و

دانشمند تقاضا دارد که بر این بنده منت نهاده و اغلاط  
 رایا و اشتباهات و ارسال فرمایند تا انشاء اللہ در چاپهای بعد  
 تصحیح شود۔ خیرلی ممنون می شویم اگر ما را راهنمایی های مفید  
 فرمایند و البتہ ہرگونہ پیش نہادیکہ برسد کہ مفید باشد بالکمال  
 میل خواهیم پذیرفت باشد کہ با کمک و مساعدت اہل  
 دانش و فضل بانجام خدمتسی موفق شویم

بیتنی اردو شیرخانصنع

دیہاہ ۵۶ / ۳۶ ۱۳



**KHAZE BOOK-SELLER.**

Koka Building, 1st Floor,  
Play House, BOMBAY-6.

## پیش‌گفتا

تذکره نویسی در ادبیات فارسی سابقه طولانی و بس  
 ممتدی دارد و بسبب وجود همین تذکره‌هاست که با نام بسیاری  
 از گویندگان و زندگانی و آثار آنها آشنائی حاصل مینمایم آنچه  
 که درین تذکره‌ها کم و بیش یکسان است. این است که گردآورنده  
 یا بهترین گویندگان تذکره‌ها در نوشتن شرح حال شعرا و  
 سخنوران راه مبالغه را پیموده و همه را هم سنگ و در ردیف  
 هم قرار داده اند آنچه که امروزه "نقد سخن" معروف است و تذکره  
 لا بکار برده نشده اند شیوه "سخن‌سنجی" ای که امروز در اروپا  
 معمول است در تذکره‌ها نیست همه گویندگان بنظر مؤلفین  
 تذکره‌ها خوب بوده اند شیوه که امروز در اروپا و بین دانشندان  
 متداول است و آثار هر شاعری بدقت بررسی و علاحی میشود  
 در تذکره‌ها وجود ندارد. تذکره‌ها فقط یک فایده داشته و دارند  
 که نویسندگان تاریخ ادبیات را با اسامی گویندگان و آثارشان  
 آشنائی سازند. ولی نمی‌توانند در باره یکا یک گویندگان قصه‌ها

صحیح بنمایند

تذکره حاضر نیز در ردیف همان تذکره است یعنی  
 بنظر مؤلف همه شعرا گویند گانی که در تذکره از آنها نام برده است  
 در ردیف گویند گان خوب بوده با که از شعرای خوب  
 و معروف مانند قری سبستانی منوچهری و امغانی نامی در میان نیست  
 در حالیکه از شعرائی، مگر یکی که براتب از ولایت تر بوده اند اسم  
 برده است بیشتر از شرح حال شعرائی که در هند میزیسته اند  
 و بزبان فارسی سخن می گفتند درین تذکره آمده است از  
 شعرای خوب و معروف جز چند سطر شعر که آنهم جزو اشعار خوب  
 آنها نیست یاد شده است از شعرائی که معاصر یا دوست مو  
 لّف بوده اند بمبالو سخن رفت و از کلامشان هم زیاد در این مجموعه نشانه  
 آورده است شیوه ای که مؤلف در نوشتن این کتاب بکار برده  
 است نسبتاً بی تکلف و ساده و روان است و برای یک نفر بیگانه  
 و آنهم کسیکه دور از وطن سعدی و فردوسی میزیسته است  
 در حد خود خوب نوشته است مگر اینکه در چند موارد اصطلاحات  
 نابجور و ناانجاری بکار برده که با یکبار خواندن، خواننده متوجه مطلب  
 نخواهد شد مثلاً "در عمر بیت سالگی بجای" در سن بیت سالگی



یا "در عمر شعور" بجای "در سن رشد و شعور" و غیره آن زیاد بچشم میخورد  
 نگاری از اوقات نویسنده کلمات هندی را ندانسته بجای فارسی  
 بکار برده است که در پاورقی معنی آنها داده شده است کلمات  
 انگلیسی و فرانسوی هم بدست در کتاب دیده می شود مثلاً بجای حکومت  
 کلمه انگلیسی آن بکار رفت یا در چند مورد کلمات اردو استعمال شده  
 است و این خود مینماید که مؤلف از شرط علقه ای که بزبان فارسی داشته  
 است خود را برای نوشتن چنین تذکره آماده کرده و الحق اگر از انصاف  
 نگذریم کاری بس پرارج انجام داده است که ما با دردست داشتن  
 این تذکره بنام بسیاری از گویندگان فارسی زبان که در هند  
 روزگار بسر برده اند آشنا می شویم و از آنها و آثارشان سرو  
 سامان میجوئیم نام بسیاری از گویندگان این تذکره در تذکره های قبل و بعد نیست از  
 خصوصیات دیگر این تذکره استعمال کلمه "ولایت" بمعنی محل تولد و زادگاه است مثلاً "ولایت  
 گویه فلان از زادگاه خویش به هندوستان آمد" میگوید "فلان شاعر از ولایت  
 رهسپار هند گشت" یا "بزرگوار چگونه عبارت کلمه "پسر"  
 بجای سپس و پس از آن و بعد از آن در این تذکره زیاد بکار رفت  
 است که معنی آن در پاورقی نموده شده است در بعضی جاها  
 نیز عبارت فارسی مؤلف نامانوس است که در پاورقی تصحیح شده

است اگر ازین جزئیات بگذریم تذکره مذکور جزو تذکره های خوب و با ارزش است و بایستی هر فارسی زبانی عموداً و بهر ایرانی علاقه مند بآداب فارسی خصوصاً با وقت تمام آنرا مطالعه و زایدتاً بسبک و شیوه بکینفر بیگانگان آشنا شود و با اسامی و آثار بسیاری از گویندگان بیگانه فارسی گو آشنائی بهم رساند البته جای این تذکره در میان ادبیات فارسی خالی بود که آنهم بهمت آقای اردشیر خاضع یعنی ناشر چاپ و برای استفاده فارسی زبانان و علاقه مند بزبان فارسی حاضر و آماده می شود جای آن دارد که از این کتاب استقبال شود تا موجبات دلگرمی ناشران فراهم شود. در و نیائی که داستان های عشقی خواننده فراوان دارد و نویسنده و ناشر هر دو از سوداوی بر خور واری شوند ناشرین و نویسندگان کتب ادبی و علمی بایستی از طرف مقامات دولتی تشویق و موجبات دلگرمی آنان فراهم شود تا بتوانند بخدمت خود ادامه دهند.

بیبی - اول دیماه ۱۳۲۳

فرهاد آبادانی

# فہرست نام شعری نتایج الافکار

نام شعرا	صفحہ	نام شعرا	صفحہ
شیخ اوصدین کرمانی	۲۲	حرف الالف	
شیخ اوصدین اصفہانی	۲۳	محمد قدرت اللہ گوپاموی	۳
شیخ المرئیس ابو علی سینا	۲۴	مؤلف کتاب	
اوصد الدین انوری ابپوری	۲۵	بہرام گور شہنشاہ ساسانی	۱۲
سعید الدین اشرفی قندھاری	۲۶	میر الہی اسد آباد ہمدان	۱۷
افضل الدین کاشانی	۲۷	ابو نصر احمد جام	۱۹
مولانا ابن حسام خانی	۲۹	شیخ ابو الحسن علی بن	"
حکیم جمال الدین ابو اسحاق	"	جعفر الخرقانی	
شیرازی		شیخ ابوسعید فضل اللہ	۲۰
شیخ نور الدین آذری اسفراینی	۳۰	ابی الخیر	
اہلی خراسانی	۳۲	ابو اسمعیل عبداللہ بہری	۲۱
(خان احمد خان نسوب)	۳۵	الانصاری	

صفحه	میر کیانی غلامی	۴۱	میر محمد موسی اولی یزدی
۳۶	امام قلی خان بخاری	۴۵	میر محمد باقر داماد اشراق
"	خواجه صفی قبهستانی	"	ملا اجری یزدی
۳۷	مولانا آسی چنتائی	۴۶	ملا اوجی لپیزی
۳۸	اسی کلهانی	"	میرزا امان اللهامانی
"	ابراہیم امشی خراسانی	۴۷	میرزا جلال اسیرستانی
۳۹	مولانا اہلی شیرازی	۴۹	احمد بیگ اصفہانی
۴۰	ادہم کاشی	"	محمد قلی آصف قمی
"	اشکی قمی	"	طفرخان احسن خراسانی
۴۱	میر اسیری قزوینی	۵۰	میرزا محمد طاهر خان آشنا
"	القاص میرزا خلف الصدق	۵۱	حسن بیگ انسی ایلی
"	شاه سہیل ثانی	"	ملا اسیری شیرازی
۴۲	مولانا الفتی یزدی	"	ادہم بیگ قزوینی
"	حکیم ابو الفتح گیلانی	"	میرزا احمد قزوینی
۴۳	بلقلی بیگ انسی شاطو	۵۲	خواجہ محمد امین کوچ کاشانی
"	جلال الدین محمد اکبر پادشاہ	"	خواجہ آقالی ہمدانی
"	ہندوستان	"	مولانا انصاری یزدی

نام شعرا	صفحه	نام شعرا	صفحه
شاه میرایان ہدائی	۶۸	ملا آشوب مازندرانی	۵۳
اکبر صفایانی	"	میرزا شریف الہام اصفہانی	"
قاضی اسد قہرپایہ	"	ملا مقیم احسان مشہدی	"
افضل پانی پتی	"	محمد ابراہیم انصاف خراسانی	"
نواب نظام الملک آصف شاہ	۶۹	ملا محمد سعید اشرف مازندرانی	۵۴
شیخ محمد ناصر افضل جونیوری	۷۲	ممتاز محمد سعید اعجاز	۵۶
نظام الدول بہادر ناصر	۷۴	شہر بھمان آبادی	{
جنگ تخلص بافتاب	{	انز شفیعی شیریازی	۵۷
ملا آثار بخاری	۷۸	نواب برہان الملک سوات	"
سراج الدین علیجان	۷۹	نیشاپوری	{
آرزو اکبر آبادی	{	شیخ حفیظ اللہ آثم اکبر آبادی	۵۹
محمد امین اسرئیلی	۸۲	فقیر اللہ آفرین لاہوری	"
سید لطف اللہ احمدی بلگرامی	۸۳	امیرخان انجام یزدی	۶۱
شیخ غلام حسین امدام	"	قمر لباش خان امید ہدائی	۶۲
برہان پوری	{	ملا اعلانی توریانی	۶۷
سید علی رضا آگاہ بلگرامی	۸۴	اخلاص اچلا واس شاہ بھمان آبادی	"

نام شعراء	صفحه	نام شعراء	صفحه
سلطان العارفين بايزيد	۹۸	ميرزا علي نقی ايجاد بهدانی	۹۸
بسطامي		مير محسن امتياز کرنانگی	۹۹
مولانا کمال الدین بنائی	۹۹	ميرزا علي نقی خان انصاف	"
بهرائی		حاجی لطف علی آذر اصفهانی	۹۶
خواجہ شهاب الدین کرمانی	"	مير غلام علی آزاد بلگرامی	۹۷
ابو الفتح بهرام ميرزا خلف	۱۰۰	نورالدین محمد خان بهادر	۹۲
صفوی		متخلص بالور	
مولانا عبد الباقی تبریزی	۱۰۱	مولوی محمد باقر آگاه نایبی	۹۳
مولانا عبد الباقی قزوینی	۱۰۲	المدراسی	
خواجہ غیاث الدین محمد زری	"	میر محمدی خان مدراسی	۹۶
استرآبادی		میر امداد علی بلگرامی	"
میرزا باقر اصفهانی	"	قرای خراسانی	"
بیرم خان بدخشانی	"	مستامه تونی آتون منکوه	۹۷
ملا حاجی بهرام بخارانی	۱۰۳	ملا بقالی ہندی	
شیخ بہاوالدین محمد عالی بہائی	"	مستامه آرزوی سمرقندی	"
باقر خان امیر نجم ثانی	۱۰۵	حرف البار	

نام شعراء	صفحه	نام شعراء	صفحه
میر اولاد محمد خان ذکاء بلگرامی	۲۵۹	مولوی مصطفیٰ علیخان خوشدل	۲۲۶
میرزا محمد سمیع اکبر آبادی حرف الرار	۲۶۰	محمد رضا علیخان خوشنود حرف الدال	۲۶۰
استاد ابو الحسن رودکی سمرقندی	"	مولانا میرزا داؤد مشہدی دیوان عشق بغدادی	۲۶۴
مولانا رشید الدین و طواط بلخی	۲۶۱	حکیم عین الملک دوانی گیدانی	"
مولانا حکیم روحانی سمرقندی میر حیدر رفیعی معالی کاشانی	۲۶۲	میر رضی دانش مشہدی وردی سمرقندی	۲۶۶
میر رضی ارتیبانی	۲۶۴	نواب اعز خان دبیہ ترکمان فقیر صاحب درمند اوگیر	"
میرزا عبد الرحیم خانخانان مولانا رازی شوشتری	۲۶۵	خواجہ میر درد شاہ بھمان بابا حرف الدال	۲۵۱
میرزا محمد سعد الدین راقم مشہدی	۲۶۷	ملا ذوقی اردستانی محمد امین ذوقی کاشانی	۲۵۲
	۲۶۸		۲۵۸

نام شعرا	صفحه	نام شعراء	صفحه
مختتم علیخان حشمت نیشانی	۱۹۵	حزینی خراسانی	۱۸۶
حکیم بیگ نمان حاکم لاهیجی	۱۹۶	میرزا محمد رضی حزینی	"
شیخ محمد علی حزین لاهیجی	۱۹۸	میرزا سلیمان حاجی اصفهانی	"
حاجی شاه عبدالهادی	۲۰۵	میرزا عزیزالدین حضوری قمی	۱۸۵
مولوی محمد حسن علی ماهی	۲۰۶	سیدت الدعاتم کاشانی	۱۸۶
حرف النجار		صدری تبریزی	"
حکیم افضل الدین خاقانی شروانی	۲۰۸	خواجہ حاجی سمرقندی	"
ابو الحسن یحییٰ الدین امیر	۲۱۰	ملاحیاتی گیلانی	۱۸۷
خسرو دهلوی		مولانا حیاتی کاشی	۱۸۸
مولانا خواری تبریزی	۲۱۹	شاه باقرخان حاصل مشہدی	۱۸۹
ظاری قلندر اصفهانی	"	حسن خان شاتلو	۱۹۰
میرزا محمد خلیل خراسانی	"	آقا حسین خوانساری	"
سید حسین خالص اصفهانی	۲۲۰	حکیم حاذق گیلانی	۱۹۱
امیر الامر اصمصام الدول	۲۲۲	گرو بخش حضوری ملتانی	۱۹۲
میر خورشید علی بلگرامی	"	لال شیورام داس کبر آبادی	۱۹۳
سید محمد خلوص مدراسی	۲۲۴	میرزا امام قلی حشمت اصفهانی	۱۹۴



نام شعراء	صفحو	نام شعراء	صفحو
تذوی ابہری	۱۲۵	چندر بہان برہمن اکبر آبادی	۱۰۶
تقی اوصدی بلبانی اصفہانی	۱۲۶	آقا مہدی بیانی اصفہانی	۱۰۸
ملا رضا کجلی اردکانی	"	میرزا صدر اپینا گیلانی	۱۰۹
میرزا حسن تاثیر تبریزی	۱۲۸	میرزا محمد تقی پرول اندجانی	"
پیر عبد اللطیف خان شہرستانی	"	جعفر بیگ ہمیش کشمیری	"
میر تقی مروارید کاشی	۱۲۹	رفیع خان بازل شہیدی	۱۱۱
آقا اعظیما قمی	"	بہو پت رائے بیغم سیرگی	۱۱۲
میرزا عجم قلی ترکمان شیرازی	"	میرزا عبدالقادر بیدل ختائی	"
ملا ترابی بلخی	۱۳۰	میرزا باقر اصفہانی	۱۱۸
مولوی رحمت اللہ ملکن کشمیری	۱۳۱	بدیع سمرقندی	"
مولوی محمد توفیق کشمیری	"	میر عظمت اللہ بیخبر بلگرامی	۱۱۹
حکیم عظیم الدین خان بکھنوی	۱۳۲	شرف الدین علی پیام	۱۲۱
حرف النساء		اکبر آبادی	
خواجہ حسین شنائی مشہدی	۱۳۳	مکھن لال بہت بلگرامی	"
مفاخر حسین شاقب سہروردی	"	سید مرتضیٰ ہمیش مدرسی	۱۲۲
میر افضل ثابت الہ آبادی	۱۳۴	حرف التار	

نام شاعر	صفحه	نام شاعر	صفحه
جرات گیلانی		میر محمد عظیم ثبات آبادی	۱۳۶
غلام حسین جووت درازی	۱۶۲	شیخ آیت اللہ شناکشیری	۱۳۷
مستانت جمیل اصفہانی	۱۶۴	شیخ غلام حسن ثمن بلکری	"
حرف الحار		میر مہدی ثاقب درازی	۱۳۸
حسین بن العالم النوری	۱۶۴	حرف الجیم	
خواجہ امیر حسن سنجر دیلوی	۱۶۷	جلال الدین محمد مولانا رومی	۱۳۹
خواجہ شمس الدین محمد حافظ	۱۷۱	عبد الواسع جبلی عربستانی	۱۴۳
شیرازی		مولانا عبد الرحمن جامی	۱۴۵
مولانا محمد حسام قہستانی	۱۷۸	شاہ فضل اللہ جمالی دیلوی	۱۵۳
ملاحیرانی قمی	"	سلطان میرزا ابراہیم چاہی	۱۵۴
ملاحیدر کلونج ہراتی	"	آصف خان میرزا جعفر قزوینی	۱۵۵
ملاحیرتی از الالی تون	۱۸۰	نور الدین محمد جہانگیر پادشاہ	۱۵۶
ملاحرفی اصفہانی	۱۸۱	ملاحفرفی تبریزی	۱۵۹
مولانا تقی الدین حزنئی	۱۸۲	میر عبد الرحیم پیشی	"
اصفہانی		میرزا آفتخ اللہ جناب اصفہانی	۱۶۱
قاسم بیگ حالتی ترکمانی	۱۸۳	میرزا محمد ہاشم موسوی خان	۱۶۱

ف

صفحه	نام شعرا	صفحه	نام شعرا
۲۶۹	زمانای نقاش متخلص راضی	۲۸۵	میر میران راز اصفهانی
	اصفهانی	۲۸۶	جعفر اغب پانی پتی
۲۷۰	میرزا حسن بیگ رفیع قزوینی	۲۸۷	میرزا محمد تقی رسا چغتایی
۲۷۲	امیر راستی تبریزی	۲۸۸	حکیم باقر حسن رایتی مدیسی
"	میر محمد زمان راسخ سهرندی	۲۸۹	میر مبارک الله اغب بلخی
۲۷۶	میر عسکری عاقل خان رازی <sup>نخانی</sup>	۲۹۰	عارف الدین خان رونق <sup>نوی</sup>
۲۷۵	شاه رضا رضائی تهرانی	۲۹۸	محمد حسین قادری سندی
۲۷۶	امیر رضائی رضوی		حرف الزار
"	شیخ محمد رضا تهتی	۳۰۰	مولانا زلالی خراسانی
۲۷۷	مولانا امام الدین لاهوری	"	طازمانی یزدی
"	احسن الله خان کشمیری	۳۰۱	حکیم زلالی خوانساری
۲۷۸	محمد بیگ رشکی بهدانی	۳۰۲	امیر زنده دل اهل ساوه
۲۷۹	سید جعفر روحی رنیر پوری	"	مولانا زکی بهدانی
۲۸۰	ملا حسین رفیق اصفهانی	۳۰۴	شیخ فخر متخلص بزاز <sup>اباد</sup>
"	میرزا جعفر ارباب اصفهانی	۳۰۵	زیب النساء بیگم دختر
۲۸۳	میرزا جان رسا بهدانی		شاهنواز خان صفوی

نام شاعر	صفحه	نام شاعر	صفحه
محمد سعید قرشی ملتانى	۳۳۷	مسماة زائيرى ايرانى	۳۰۷
بهرام ستقار ماورالنهرى	۳۳۸	زرانشست بهرام پيردو بشيرن آبادى	"
مير محمد على سالک کاشانى	۳۳۹		
ميرزا جلال الدين سيادت لاهورى	"	حرف السيين	
مير سيد على مشهيدى	۳۴۲	محمد الدين آدم حكيم سنائى غزنوى	۳۱۳
حاجى محمد سلم كشميرى	۳۴۳	مولانا سعد الدين حموى	۳۱۶
محمد افضل سرخوش نسا بهبهان آبادى	۳۴۴	شيخ سيف الدين باخرى بخارى	۳۱۷
مولانا سرآمد كشميرى	۳۵۱	شيخ شرف الدين سدى تيريزى	۳۱۸
ميرزا رفيع سودا شاه بهبهان آبادى	"	خواجہ جمال الدين سلمان ساوجى	۳۲۳
سيد محمد اصغر هانى	۳۵۲	ميرزا نظام الدين احمد چچانئى	۳۲۷
حكيم صديق سخنور بلگرامى	۳۵۴	سلطان محمد سلطان قمى	۳۲۸
فريدچ سلطان بنت كلب	۳۵۶	ملاحسن على سوزى ساوه	۳۲۹
عليخان داغستانى	"	مولانا سحابى استرآبادى	"
حرف الشين		شاه صفى سام ميرزا متخلص لساى	۳۳۱
شاه ركن الدين محمود سنجانى	۳۵۷	ميرزا محمد قلى سليم تهرانى	۳۳۲
شيخ شرف الدين ابو على قلندر عرقى	۳۵۸	سعيداى سرمد كاشانى	۳۳۴

نام شعراء	صفو	نام شعراء	صفو
شیخ شاہ نظر قمشہ اصفہانی	۳۸۳	شاہ شرف الدین سجینی میری	۳۵۹
ملا شیدا فتحپوری	"	البہاری	{
محمد اسحاق شوکت بنجالی	۳۸۶	میر سید شریف جرجانی	۳۶۱
شیخ حسین شہرت شیرازی	۳۹۲	شاہ پورین محمد فیثا پوری	۳۶۲
میر سید محمد شعلہ اصفہانی	۳۹۴	آقا ملک امیر شاہی سر بلدیہ	۳۶۳
معنی یاب شاعر پنجابی	"	مولانا شرف الدین علی بزدی	۳۶۵
میرزا محمد حسین شمیم شیرازی	۳۹۵	مولانا شہید قاسمی	۳۶۶
میر سید محمد شاعر بلگرامی	"	مولانا شریف تبریزی	۳۶۸
لالہ بال مکند شہرہ و دانکپور ہند	۳۹۶	میرزا اشرف جہان قزوینی	"
مولوی محمد باقر شہید لہری	۳۹۷	مولانا شوقی تبریزی	۳۶۹
لیچین نارائن شفیق اوزگم	۳۹۹	عبیدی بیگ شراری بہانی	۳۷۰
آبادی	{	شانی تکلو	"
مولوی غلام غوث شوقی	۴۰۱	محمد رضا شکیبی صفائی	۳۷۱
گوپا سوئی	{	شرف الدین حسن حکیم شفیق	۳۷۳
غلام محی الدین شایق علیکن	۴۰۶	اصفہانی	{
شایق		مولانا شالپور تہرانی	۳۷۵

نام شعراء	صفحه	نام شعراء	صفحه
مولانا کمال الدین حسن	۱۶۲۶	حرف الصاد	
ضمیری اصفهانی		ذین الدین صاعد جنبوشانی	۱۶۰۸
شیخ نظام ضمیری بلگرامی	۱۶۳۷	میرزا محمد علی صاحب اصفهانی	"
میر ضیاء الدین شاد جهان آبادی	"	میر صیدی طهرانی	۱۶۱۸
میر ضیاء اللہ بلگرامی	۱۶۳۵	حکیم کاظم مسیح اللسان صاحب	۱۶۱۹
حرف الطاء		عاجی صادق صامت اصفهانی	۱۶۲۱
شاه طاهر معروف بکنی	۱۶۳۶	ملا صبیحی کشمیری	"
طوفی تبریزی	۱۶۳۸	میر روز بجان صبری اصفهانی	۱۶۲۲
ملا طالب آملی کاشی	"	میرزا محمد ابراهیم صفائیزی	۱۶۲۳
ملا طاهر مشهدی	۱۶۴۱	میرزا محمد جعفر صافی اصفهانی	۱۶۲۴
میرزا عبدالباقی طیب مولوی	۱۶۴۲	آقا محمد تقی صهباقمی	۱۶۲۵
میرزا طیب طوفان هاندرانی	"	ملا سلیمان صباحی کاشانی	۱۶۲۶
مولوی شاه وحید الدطالب	۱۶۴۳	میر عبدالحی خان صادم	۱۶۲۸
عظیم آبادی		اورنگ آبادی	
حرف الطاء		نظام الدین احمد صافی بلگرامی	۱۶۲۹
ظہیر فاریابی سمرقندی		حرف الضاد	

نام شجره	صفحه	نام شجره	صفحه
آقا علی گیلانی	۱۴۷۳	ملا علی اصفهانی	۱۴۷۷
حسن بیگ تلو عتابی	۱۴۷۴	میر محمد طاهر طهر پوری ترشیزی	"
مولانا عبد الکریم شاملو	"	شیخ محمد ظفر اوزنگ آبادی	۱۴۵۱
شیخ عبد العزیز عزت آبادی	"	حرف العین	
شیخ ناصر علی سهرندی	۱۴۷۵	عین القضاة ہمدانی	۱۴۵۲
عظیم نیشاپوری	۱۴۷۶	شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری	"
میرزا محمد عالی شیرازی	۱۴۷۵	مولانا فخر الدین عراقی ہمدانی	۱۴۵۳
احمد عبرت شاہ بھمان آبادی	۱۴۹۰	شیخ علاؤ الدلہ سمنانی	۱۴۵۸
خواجہ باقر عزت شیرازی	۱۴۹۱	ابوالقاسم حسن عنصری بلخی	۱۴۵۴
میر عبد الجلیل الحسینی بلگرامی	"	حکیم عبد العزیز عسوی ہراتی	۱۴۶۰
عبد الرحیم عابد تورانی	۱۴۹۱	حکیم عمر خیام نیشاپوری	"
شیخ علی عظیم سهرندی	۱۴۹۵	مولانا عطاء فقیہہ کرمانی	۱۴۶۵
ہنرور خان عاقل شاہ بھمان آبادی	۱۴۹۶	ملا عہدی باکوی ایرانی	۱۴۶۶
آقا محمد عاشق اصفہانی	۱۴۹۷	شاہ اسماعیل ثانی عادی	"
عارف الدین خان عاجز	۱۴۹۹	میر سید علاؤ الدین علاؤدی	۱۴۶۷
اوزنگ آبادی		مولانا سید محمد عرفی شیرازی	۱۴۶۸

نام شعراء	صفحو	نام شعراء	صفحو
ملا محمد طاغی کشمیری	۵۱۲	سید محمد عارف بلگرامی	۵۰۱
محمد اکرم عنیت پنجابی	۵۱۶	میر عبد الولی عزلت سورتی	"
سید غلام مصطفیٰ بلگرامی	۵۱۷	میر قاسم خان عاشق	۵۰۳
میر غلام نبی بلگرامی	۵۲۰	اکبر آبادی	{
سید کریم اللہ غریب بلگرامی	"	شیخ فقیر الدین عزت لکھنوی	"
سید طلال الدین غالب	۵۲۱	نور الدین محمد خان عاصی	۵۰۴
زید پوری	{	میرزا زین الدین عشق	"
میر غضنفر حسین بلگرامی	۵۲۲	اسحق بیگ عدوی اصفہانی	۵۰۵
حرف القاء		مولوی سید محمد عبد اللہ ودودی	۵۰۶
حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی	"	مسلمات عظمت سمرقندی	۵۰۹
امیر نظام الدین علی شیرفانی	۵۲۷	حرف الغین	
بابا فغانی شیرازی	۵۲۸	سید علی درویش تهرانی	۵۰۹
سید محمد فکری شہدی	۵۳۱	خواصی یزدی	"
مولانا فدائی لائنجی	۵۳۲	مولانا غزالی شہدی	۵۱۰
امیر فارغی شیرازی	"	خواجہ غیث زرباف یزدی	۵۱۱
شیخ ابو الفیض فیضی اکبر آبادی	۵۳۳	مولانا غزالی بہرائی	۵۱۲



نام شعراء	صفحہ	نام شعراء	صفحہ
حرف الحاق		ابو تراب فخری جوشتقانی	۵۳۷
خواجہ قطب الدین بختیاراوشی	۵۵۳	ملا عبد الرزاق فیاض لائنجی	۵۳۸
سید محسن الدین قاسم الوارث تبریزی	۵۵۷	فصیحی تبریزی	۵۳۹
میر شاہ قوام الدین اصفہانی	۵۵۹	مولانا فصیحی ہراتی	"
محمود بہلولان خوارزمی	"	مولانا فراتی سمرقندی	۵۴۰
ملاقیدی شیرازی	۵۶۰	ملا محسن فیض کاشانی	۵۴۱
قاسم خان جوینی	"	شیخ محسن فانی کشمیری	"
حاجی محمد جان قدسی مشہدی	۵۶۲	ملا فرح اللہ شوہتری	۵۴۲
قاسم بیگ قسسی افشاری	۵۶۴	میر احمد فالق لاہوری	۵۴۳
محمد قاسم دیوانہ مشہدی	"	آقا ابراہیم فیضان شاہجہان <sup>اہلوی</sup>	۵۴۴
شاہزادہ داراشکوہ قادری	۵۶۶	ملا محمد نصیر فالق اہری	۵۴۵
سید عبداللہ قابل بلگرامی	۵۷۱	سید اسد اللہ فرو بلگرامی	۵۴۷
محمد شاہ قابل کشمیری	۵۷۲	میر نواز شمس علی فقیر بلگرامی	"
محمد قیوم چاند پوری	۵۷۳	شمس الدین فقیر شاہجہان <sup>اہلوی</sup>	۵۴۷
میرزا محمد حسن قنیل لاہوری	"	مولوی سید خیر الدین فالق بلخی	۵۵۰
محمد قدرت اللہ لوہاری <sup>کاتب</sup>	۵۷۹	جمیلہ خانم فصیحہ اصفہانی	۵۵۲

نام شعراء	صفحه	نام شعراء	صفحه
مسمات لاله خاتون کرمانی	۶۱۲	حر الکاف	
حرف المیسم		کمال الدین اسمعیل اصفهانی	۵۹۰
امیر معتری نیشاپوری	۶۱۳	شیخ کمال الدین خجندی	۵۹۳
شیخ مسعود الدین محمود شبستری	۶۱۵	محمد عبداللہ کاتبی نیشاپوری	۵۹۶
مولانا محمد منعمی نائینی	۶۱۶	محمد قاسم کاپی بخارائی	۵۹۹
مولانا موالی تونی	۶۱۸	ابوطالب کلیم سہدانی	۶۰۱
خواجہ حسین مروی	۶۱۷	عبدالرحیم کم گو کشمیری	۶۰۵
میرزا قلی مسلی بہرائی	۶۱۹	میر عبدالرحمن وزارت خان	۶۰۶
مولانا مشفق بخالائی	۶۲۱	گرامی خوانی	
مولانا محترم کاشی	۶۲۱	شیخ مسعود اللہ گلشن احمد آبادی	
مطابلسی اصفہانی	۶۲۰	گجرات	
صن بیگ مقیمی تبریزی	"	میرزا گرامی کشمیری	۶۰۷
طامسعود اصفہانی	۶۲۱	شیخ گلشن علی جوہری	۶۰۸
میر مغیث الدین محوی بہرائی	"	محمد باقر خان گوہر مداسی	۶۰۹
مطامک قسمی	۶۲۲	حرف اللام	
ملکی سرکانی	۶۲۴	مولانا لسانی شیرازی	۶۱۱

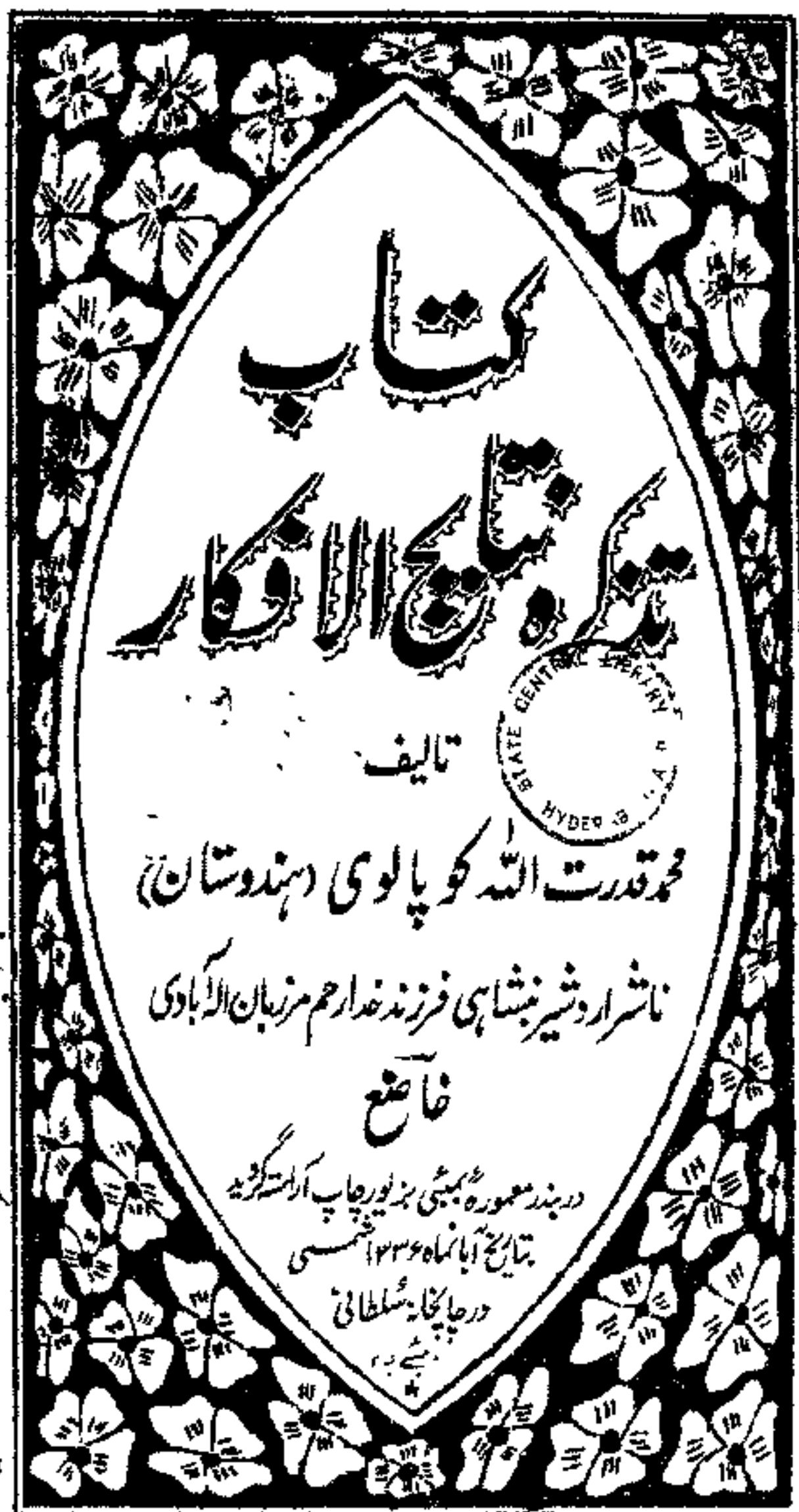
نام شعراء	صفو	نام شعراء	صفو
میر غلام نبی محیب بلگرامی	۶۶۲	سی کلال بندی	۶۳۵
میر سید علی مشتاق اعظمی	۶۶۴	آقا عبدالمولی سنجانی	۶۳۵
میرزا عبد الرضا متین نجفی	۶۶۵	میر معصوم کاشانی	۶۳۶
میرزا معز الدین اعظمی	۶۶۷	میر متقی طهرانی	۶۳۷
درویش محمد طالقانی	۶۶۹	ابوالبرکات ملا میر طالقانی	۶۳۷
میر مقبول قمی	۶۷۰	حکیم رکن مسیح کاشی	۶۴۰
شیخ غلام قطب الدین	۶۷۰	مولانا مفید بلخی	۶۴۱
مصیب ال آبادی	۶۷۱	میرزا محمد علی ماہر اکبر آبادی	۶۴۶
محمد محفوظ خان بہادر	۶۷۱	علامہ معنی کشمیری	۶۴۹
شہامت جنگ	۶۷۱	مولانا محنفی رشتی لاسنجانی	۶۵۰
میرزا مطہر جان جانان	۶۷۲	مولانا درویش مقصود بہرائی	۶۵۰
مردان علیخان مبتلا مشہدی	۶۷۹	مخلص کاشانی	۶۵۱
بہوری شاہ شہ شہر اکبر آبادی	۶۸۱	معز الدین محمد موسوی خان	۶۵۲
مولوی شاہ عبدالقادر	۶۸۲	میرزا ابوالحسن شیرازی	۶۵۸
نیشاپوری	۶۸۲	میرزا لطف اللہ تبریزی	۶۵۹
محمد تقی اکبر آبادی	۶۸۶	رای رایان آندرام لاہوری	۶۶۰

نام شعراء	صفحه	نام شعراء	صفحه
شیخ عبد الواحد سهرزندی	۷۴۴	دلاور خان نصرت سیالکوٹی	۷۲۵
میرزا مبارک اللہ واضح ساوی	۷۴۵	نور الدین نوید شاہ جہا آبادی	۷۲۷
میر عبد الواحد بلگرامی	۷۴۶	لالہ حکیم چند نذرت تھانیسری	۷۲۸
میر معصوم وجدان سهرزندی	۷۴۹	آقا محمد نصیب اصفہانی	۷۲۹
علی قلیخان والرداغستانی	۷۵۰	آقا محمد شاط اصفہانی	"
آقا محمد امین وفا اصفہانی	۷۵۶	مولوی تراب علی نامی خیر آبادی	"
شیخ نور العین واقف لاهوری	۷۵۷	مسما ت نہانی	۷۳۲
شیخ نواز شمس محی الدین وامتق بلگرامی	۷۶۸	حرف الواو	
میرزا امام وردی بیک واصلی ایرانی	"	مولانا وحشی نافع الکرمانی	۷۳۳
میرزا شرف الدین دقاقمی	۷۶۹	وحشی کاشی	۷۳۶
سید ابو طیب خان والامراسی	۷۷۰	ولی دشت بیاضی قاسمی	۷۳۷
		میرزا محمد رفیع واعظ قزوینی	۷۳۸
		شیخ عبد الواحد وحشت تھانیسری	۷۴۰
		میرزا طاہر وحید قزوینی	"
		میرزا شاہ تقی واحد اصفہانی	۷۴۳
		میرزا احسن واپس اصفہانی	۷۴۴

نام شعراء	صفو	نام شعراء	صفو
مولانا نظام استرآبادی	۶۰۹	میر قمر الدین منت مشہدی	۶۸۷
ابو المکارم زرگسی ابہری	۶۱۰	امیر الملک علی حسین خان پاجہ	۶۸۹
میر معصوم خان ترمدی	۶۱۱	سیف الملک مختار	۶۹۳
مولانا علی احمد شانی	۶۱۱	میرزا محمد خاں فرعون شاہ بہمانی	۶۹۵
خانوعی جنوشانی	۶۱۲	آبادی	
مولانا لطیفی نیشاپوری	۶۱۳	عوض رای مسرت شاہ بہمانی	۶۹۷
مولانا فدائی نیشاپوری	۶۱۸	غلام محی الدین معجز درسی	۷۰۰
شیخ علی نقی کمرہئی	۷۱۹	غلام بہدانی مصحفی امرودی	۷۰۰
نادم گیلانی	۷۱۹	مسماست ہستی گنجوی	۷۰۱
مولانا نسبتی تہا نیری	۷۲۰	مسماست ماہی از طبعہ جلاہیر	۷۰۲
مولانا نوری اصفہانی	۷۲۱	مسماست مہری ہراتی	۷۰۳
مولانا زین العابدین	۷۲۲	حرف النون	
مسعود نیکی اصفہانی	۷۲۳	شیخ نظامی گنجوی	۷۰۴
مولانا ناظم ہراتی	۷۲۳	سید شاہ نعمت الدولی	۷۰۵
میرزا نظام شیرازی	۷۲۳	کرمانی	
آقا محمد حسین نابی اندجانی	۷۲۴	خواجہ نصیر الدین طوسی	۷۰۸

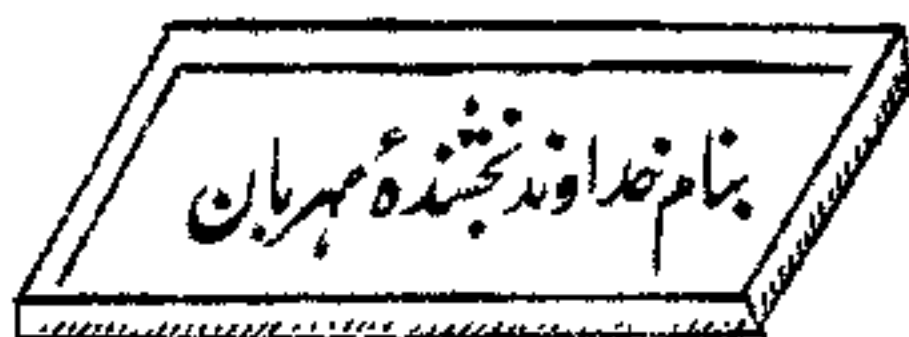
نام شعراء	صفحو	نام شعراء	صفحو
شیخ جمال الدین نقیبی خلخالی	۷۹۲	مولوی میران محی الدین	۷۷۶
محمد اشرف بیکتاشگیری	"	واقف	{
شیخ محمد انور بیکل مرلو آبادی	۷۹۳	حرف الہیا	
میر یوسف بلگرامی	"	امیر ہالیون اسفزاری	۷۷۸
سید علی درویش تهرانی		مولانا عبدالمد عاتقی ازراطلی	۷۷۹
حکیم سید ممتاز علی دہلوی		مولانا ہالی چغتائی	۷۸۰
گویندگان دہ تاریخ تمام کتاب		ہلاکی ہمدانی	۷۸۵
افضل العالی محمد رضا علی خا بہادر	۷۹۵	سید احمد عاتق اصغہانی	۷۸۶
سید مہدی الحسینی نقاب	۷۹۶	میرزا ابوعلی عاتق اصغہانی	"
سید رضی الحسینی بنیش	"	حرف الہیا	
مولوی سید محمد حسن کسنا	"	قاضی کبیری لائسنجی	۷۸۷
حافظ غلام محی الدین مایل	"	میر کبیری کاشی	۷۸۸
مؤلف تذکرہ محمد قدرت اللہ	"	احمد یار خان بیکتا	۷۸۹
مولوی محمد حسین راقم	۷۹۷	ملا محمود تیسیم یزد جردی	۷۹۱
اردو شیراز اصح	۷۹۸	ملا حسین سمنانی	"

کتبہ محمد مظہر علی ابن سید ممتاز علی اشرد دہلوی ساکن کبیری



کتاب چھاپنے والے کو ہر جگہ اور ہر وقت کسی بیرون اجازتہ ناشر طبع نظر نہ آئے

بہائی جلد درندہ روپیہ در ایران ۵۰ اریال



شادابی گلشن سخن با بسیاری حمد بسیار پیرانی است که  
 عندلیب قوت ناطق الفخر سنج خوش نوایی گرداننده  
 وزیرایش عنوان صحیفه برقم ثنای نظم آرائی است که عرایس  
 معاینه را تجلیب جوهر زوایر الفاظ بر منصف آرایش نشانیده  
 ای نام تو زیب صدر دیوان سخن | وی وصف تو رونق کنگرستان سخن  
 از پر تو ذره که از مهر تو نافت | گردید فروغ شمع ایوان سخن  
 ولالی بی بجای مناقب نشان نیز عظم بریت اشرف رسالت  
 است که از مطلع اول مطلق القدر نوری سر باوج ظهور کشید  
 و نقود و رود نامحدود پیشکش آن خسر بنی آدم که وجود با جودش  
 منقطع دیوان نبوت گردید

ای ذات تو قایم بمقام محمود | از بصر تو کاینات آمد بوجود  
 زان پیش بیافرید نور تو خدا | که آدم و عالم اثر می سپسح نبود  
 و تجلیات زاکیات بر آل و اصحاب او باد که صدر آریان ایوان



دین مبین<sup>(۱)</sup> و مقتدایان شاخصه علم و تقیین اند

اولاد نبی که خندان الهی اند | حشر شریف فیض و مصیبت انوار اند

اسلام قوی گشت ز خلفا رسولی | الحق که ستون فردین هر چار اند

المعبد میگوید اضعف عباد الله القوی محمد قدرت الله

کو پالوی که این پاشکسته زاویه خمول از صراط بعضی حوادث نگین جمعیت

را یک ریز یافت نقبت دور سن سبع و عشرين و مائین و الف  
س ۱۲۲۷

بیداری سیاحت در افتاد و با همراز نسایم جاوید تسلی طایر عزیمت

پر پرواز به چهارستان در اس گشا چونکه عدت غائی این سفر

ادراک صحبت رنگین حضرت خوشدل مرحوم و جناب خوشنود

وامم ظله که ترجمه این هر دو بزرگوار انشاء الله المستعان در حرف الخلاء

خواهد آمد بوده و امن تمننا را بگلهای سترت و شادمانی از گلشن

آهنبری لبر بزرگرو ایند و قامت از ر و خلوت بهجرت و کاسرانی

در آنجمن همگامی پوشید مجلس بگری باخت لاط یکد بگر گرمی پذیرفت و

خلوت یک بهتی باز و یاد اخلاص رونق گرفت آخر الامر پس از

چند سال بیاموری طالع جناب خوشنود و همراهِ گشته این تشنه کام

باو به افکار را به حشر شریف اجمیات که عبارت از قرب بساط فیض

مناط جناب مستطاب نواب عظیم جاه بهادر است رسانید تا اینکه

از قریب عنایت آن امیرنایب در این ذریعہ بقید دار ذخیرہ اندوز نقد  
مجاہدست و بجز یہ باب ضروری گردید نہ ہے اسید بے تطبیق کہ چشم  
روزگار در اوصاف جمیدہ مثل او ندیدہ و ہی خدیو عالی شکوہ کہ دیدہ زمانہ  
در خصایل برگزیدہ بچووی گشت بر پندیدہ پکی سخاوت را دست عطا  
پرستش آرایش بخشندہ و قالب ہمت را جو دینی اتھالیش روح  
تازہ دمیدہ توسن ذہن رسالیش کرم عنان میدان فراست  
و سمن طبع و الیش سباق مضار کیاست بالخط بعد وفات پرنبر گواش  
نواب عظیم الدولہ بہادر رحمت ماب کہ جلوہ پیرای مسند ریاست  
کز نایب گشت براحت رسائی و اسالیش خلائق نطق بر گماشت  
و صلاح و فلاح متوسلین پیش نهاد خاطر اقدس میداشت با تابع  
سند سنہ و اجرائی احکام شرعیہ کمال اہتمام مینمود و بحفظ مراتب علما  
و فضلا بہرید اعزاز و اکرام مصروف بود و اتخاف تخایف و ارسال  
تذویر بحر بین شریفین زاوہما اللہ تعالیٰ شرفا و تعظیما در زمان خود  
از مابقی افزود و خیرات متکاثرہ و حسنات متوافر ہر بیش  
از پیش اورین وقت جلوہ ظهور نمود چنانچہ سلمی ستین بعرف زر گزیر  
بخلوص تمام و اہتمام مالا کلام طیار ساختہ بمکہ معظمہ فرستاد بمقتضا  
حسن نیش شرف قبولیت یافتہ بر در بیت اللہ شرف منصوب

گشت و این سعادت از سلاطین و امرای بندهالی یومنا نده اسلوا سی  
 عالمگیر پادشاه و نواب و الایجاه جنت آرامگاه و این امیر ذوی  
 الاقتدار نصیب دیگری نشد فاما این سلم در لطافت و مناسبت  
 مسلم الثبوت خاص و عام است الفرض چونکه همت و الالیش  
 بیشتر یا افزایش اعتبار متوسلان و ترقی دولت خوابان مصروف  
 بوده این حقیر را هم که از مقبلان انوار حضوری بوده رفته رفته  
 بعهد تولیت مقبره نواب رحمت مآب مأمور ساخت  
 و باضافه مشا بهره و خطاب خانی نواخت سبحان الله ذات  
 بکمالیوش آیه رحمت بود و پیرایه خیر و برکت لباس صلاح و تقوی  
 در برداشت و افزاید و ریاضت بر سر از آنجا که نمخانه گردون از  
 باده عیش و جمعیت تهی است و طمع ساغر مراد از این سیه کاسه  
 ابلهی عروج نشد بزم هستی را خمار نیستی و رپی و گردش دور دوار علی  
 غم المطلوب پیانی ناگاه نقاش قضا و قدر طرفه نقشی بر بست  
 که سنگ تفرقه شیش جمعیت خواطر از هم شکست اعنی  
 ان نون سال بوستان انوری در کمال نشوونما در سنا صدی  
 واربعین و مائین <sup>۱۲۱۶</sup> و الف از یاد رفت او آن صدرا برای ایوان امارت  
 روزی او یه عدم نهاد و بوقوع این حادثه عالم آشوب روز روشن بچشم

جهانیان تیره و تاریک نمود و بالادستی حزن و اندوه عثمان صبر  
 و شکیب از کف دو نوحه ایان رپود باری مولود مسعودش مهر برج  
 رفعت و بختیاری کوهر درج عظمت و والاتباری قره باصره دولت  
 و اقبال تیر سپهر شوکت و اجملال نواب امیر الهند و الاجاه  
 اعظم الامم ختار الملک سراج الدوله محمد غوث خان بهادر بهادر جنگ  
 اودام الله تعالی بقاء و افاض علی العالمین عطاء مرمم تشفی بر جرات  
 سینه عمکینان نهاد و ابواب طمانیت بر روی مضطربان گشادار باب  
 حکومت آن خدیو جوان بخت و دارش تاج و تخت را که عمر یک  
 سال و سه ماه داشتت بریاست کرناک نامزد ساختند و  
 د کوس سندانالی موروثی بنام نامیش نواختند امروز که آن ورة الساج  
 شهابت و بحر مواج سخاوت حاتم عصر باؤل و صحر قدم در عرصه  
 نوزده سالگی نهادد ذات و الاصفاتش مفتاح کنوز کامرانی است  
 و کلبه گنجینه فیض سانی نیاط ازل بقبای فضل و کمال قامت مبارکش  
 آراسته و مشاطه فضا و قدر بگلگونه حسن بیاقت و قابلیت چهره حالتش  
 پیراسته در فهم و فراست علم بختیائی میافرازد و در عقل و کیاست  
 نقش بهتانی میسرازد و اشهب فکر رسایش منازل دقایق  
 نظم و نثر را بجمال سرعت طی مینماید و سیاح تحفیل و گشایش طرق

خواهش معالی را بخوبی می پیماید غنچه لیب طبعش در گلشن سخن بزم خرم  
 فصاحت هم آواز و شایسته سخن افکارش در بوادی بلاغت پتیز پر وازی  
 و مساز گنجینه علوم و فنون است و خزینه کلام موزون گل سرسبد گلستان نازک  
 خیالی است و نو باوه حدیقه خوش مقالی پیکر الفاظ ثیالات  
 رنگینش کسوت خوش قماشش در بر دارد و تصور مضامین و لنتشیش  
 نقشه نیکو تلاشی پیش نظر از اشعار دلا و نیزش که جواهر شاهوار معدن  
 معالی است و لالی ابدار حلقه گوشش سخن دانی بتمیزین این صحیفه  
 می پردازد و هی بنده.

فرد و پرتو حسنت و ماغ اسپینه را | خط تو ساخت سر سبز باغ آینه را  
 کند غرق ندامت طبع صاف من ز لاله را

زندان سخن بدل هر مصرعه شوخم هلالی را	بکن از باوه عشق کسی ملودل خود را
نباشد پیش ستمان حرمی بینای خالی را	نخت از تیغ از لودی بکن قطع امل را
مسخر کن سواد اعظم نازک خیالی را	ای شوخ فرو بسته برخ زلفه دقتار را
نازل بسرن مکن این تیره بلا را	عکس ساق تو مگر ز دم تاثیر در آب
ماهی از موج بود پای بزنجیر در آب	انقدر گریه نمودم بفسرقت جانان
حالت جسم شده چون پیکر تصویر در آب	گر بزار بود مهر بیان عالم
نیست اصلاً بکسی طاقت تقرر در آب	

دید شاید کیوستن او گاه بی باغ  
 نیست معلوم که میاید بزم دلبری  
 بهت اعظم ندارد تکبیر کس چون علی  
 تا فرو هشت پنج زلف خود آن حور شست  
 چون کستان نیست طاقت و صلح  
 بر سر خوان چیده نسکین  
 گشت تا چشم او شراب فروش  
 بسکه گریم بشوق گل رومی  
 بر نای بدول من منت سیر گلشن  
 کشتی تو بیک تیر او داشت تو بوسم  
 و اسختم از آتش جان سوز فراق  
 اموخت ز تو پیر فلک فتنه طرائف  
 با بخل در عهد دولتش خلائق را نقد طمانیت و تحری فرا  
 پنک و بر بی برگ و نوا بر تر از جمعیت و خوشوقتی هم آهنگ صحبت  
 دلپذیرش کوک ارباب فطانت و بزم بی نظیر نشین اصحاب منانت  
 حسن مقالش مومسیایی شکسته حالان کینج ناکامی و فیض مالامالش  
 دستگیر از پانچادگان جاده بی سر انجامی خویش و بیگانه زله بردار

شاخ سنبل با هزاران بیج و ناب ستاده است  
 کشته جسم دیده یکسر چون جباب ستاده است  
 خیر افلاک بی خوب طناب ستاده است  
 و دو آه دلم از سینه پریشان بر رخاست  
 بسکه رو تو محوش افتاده است  
 حال عیش نمک چشم افتاده است  
 شد دل کشته ام کباب فروش  
 طفل شکم بود گلاب فروش  
 از گل باغ چو طائوس بچاری دارم  
 بروی دل مخزون مراد است تو بوسم  
 تا سر مرصفت چشم سپید است تو بوسم  
 ای طفل پر آشوب قدسیت تو بوسم  
 با بخل در عهد دولتش خلائق را نقد طمانیت و تحری فرا  
 پنک و بر بی برگ و نوا بر تر از جمعیت و خوشوقتی هم آهنگ صحبت  
 دلپذیرش کوک ارباب فطانت و بزم بی نظیر نشین اصحاب منانت  
 حسن مقالش مومسیایی شکسته حالان کینج ناکامی و فیض مالامالش  
 دستگیر از پانچادگان جاده بی سر انجامی خویش و بیگانه زله بردار

مایده احسان اوست و یار و انبیا ز کمره مستد وجود بکیران اواللهم  
 ضاعف حسنة وارفع درجات این شیفته کلام نغز و دل باخت  
 سخن پر مغز را گاه گاه بخاطر خطور میگرد که در بیاضی اشعار شعرا  
 نامدار متقدمین و متأخرین و بعضی از معاصرین نکاشته آید درین ضمن رای  
 اکثری از اجله و احباب برین قرار گرفت که چپیزی احوال هر  
 یکی از آنها هم مثل دل بقید قلم در آید تا از تو تذکره یادگار باشد لهذا در  
 سنه ۱۲۵۶ خورشیدی و ما بین و الف تبلیخه بعضی دواوین موجوده  
 در افتاد بر انتخاب اشعار از تذکره آتش کده عجم آدر صفهانی  
 و مجموعا شعار ریاض الشعرا و والد و اعتمالی و مجمع النقایس خان  
 آرزو و اکبر آبادی و بهارستان سخن از عبد الرزاق و مرث  
 النبیال از شیرخان و کلمات الشعرا و سرخوش و سفین میر  
 عظمت الله بنحیر و سر آزاد و خزان عامره میر آزاد و بلگرامی  
 و گل رعنا و شام غریبان شفیق و اوردنگ آبادی بحسب مذاق  
 خود دل نهاد و از هر چن این بساط حسین همیشه بهار گل های رنگت رنگ  
 بر چپیده دامن دامن برداشت و احوال هر یکی مختصر مفید بسک عیارت  
 فارسی سلیس کشیده اسامی شعرا را بحروف هجی ترتیب داده تقدیم  
 و تاخیر بمراعات سین و وفات شان ملحوظ داشت و به تفتیش

و تحقیق من وفات هر کدام هستی الامکان اختتام تمام وجد و تجدد تمام  
 کار برده و کسانی را که سن تحقیقی یا تخمینی یا اعتباری بهم یافت نشد  
 نامشان چندان درین اوراق گذاشتند فاما سوای میرالمی که بطغیسل  
 انتساب با اسم از منصب صدارت بزرگ گرفت و ماورای حضرت احمد جام  
 و شیخ ابوالحسن خرقانی از زمره اولیا که بجهت توافق اسمی با نام مبارک  
 سرور انبیا و کنیت خاتم الخلفاء ذکرشان بعد اسم میرمغزی الیه النسب  
 نمود و اسماء حضرت اولیا دانسته را که بر دیگران تقدم بالشراف دارند  
 در هر ترفیقه جلوه ظهور یافته بر اعانت ترتیب از همه بالا نگاشت و از  
 اصناف اناث محذرات که قدم بهمیدان شاعری نهادند اسم آنها را بحکم انزل  
 قوانین علی النساء پایان اسماء ذکر نهاد و این صحیف را موسوم به نتائج  
 الافکار ساخته بسیار گاه فلک اشتباه آن امیر جواد عرض داد اگر نظر کیمیا  
 اثر و متاع کاسد این تسلیل ایضاعت را بمیزان اجابت برسنجند  
 بنده نه از کجا چه دور و اگر بمقتضای بوجه شناسی طلای ناسره من  
 بیخ بدن را بجا قبولیت کامل العیار گردانند از عزت افزائی چه عجب  
 امید از ماهران سخن و ناظران این فن آن دارد که اگر بلازم بشری سهوی  
 و خطائی در این کتاب بیند و امن از رکن در اصلاح زچیندند اوان  
 الشرع فی الکتاب و من الله الوصول الی منهج الصواب مقدمه بدانکه



شعر یا لکسر در اصطلاح شعرا عبارت است از کلام موزون فنی که باراده  
 متکلم از عدم وجود آید و حق این است که قافیہ امری است عارضی که بدون  
 رعایتش مطلع و غزل و قصیده و مثنوی و رباعی و امثال آن متحقق نمیشود و  
 تحقیق نفس شعر بر آن موقوف نیست و الا اندر آن قافیہ ندارد از تعریف  
 شعر خارج گرد و و لیس که لاک و قبیله اراده متکلم برای اخراج حدیثی  
 است که بلا قصد و اراده موزون واقع گردد از آنکه کلام آن سرور انام علیه  
 افضل الصلوات و السلام بکلم باعلت و الشعرا از شعریت مبرا است و  
 همچنین هر کلامی که از شخصی بقبیله قصد شعور صا در شود آنرا شعر  
 نمیگویند چه شعرا خود از شعور است که بی قصد متکلم نمی باشد و بر آوردن  
 کلام الهی را ازین قبیله گنجایش ندارد از آنکه وجود موزون نیست بدون اراده  
 وی سبحانه متکلم اضطرار است و هو مستنده عند پس نرا و است  
 که آنرا از قبیله آمدن از عدم بوجود که شعر حدوث است بر آرند تا بر بعضی آیات  
 قدیه که موزون واقع شده و توفیق شعر اصطلاحی صادق ز آید  
 آری صدور کلام موزون نخست از متکلم قدیم امت تعالی شانه و از اینجا  
 گفته اند که الشعراء تلامذة الرحمان و علماء و رجوا کف تن شعر  
 و الشادان اختلفت و دارند و حدیث رسول کرم صلی الله علیه و سلم  
 اشعر کلام محمد حسن و قبیله قبیله حاکم است بین الفریقین

پس شعر یک متضمن بیان مراتب عشق و محبت و مواعینط و حکم و مصالح  
 بود مذموم نیست و مورد آن من الشعر حکمت همین است و کلامیکه  
 مشتعل بر جواهر اسلام و اظهر عیوب سب و شتم باشد قبیح  
 است و مصداق آیه کریم الشعر است بیعتهم العاوان همین  
 واقع شده و چون شعر کلامی است موزون و هر موزون را میزانی باید تا اوزان  
 زیادت و نقصان معلوم گردد و آنرا علم عروض نامند و واضح اوزان  
 غلبیل ابن احمد بصری است که آنرا در اوسط طامه ثانیه از اشعار عرب تتبع  
 کرده با استقرار پانزده بحر نمود و آنرا به بحر طویل و مدید و بیط و وافر کامل  
 و هزج و رجز و سرلیج و رمل و منسرح و خفیف و مضارع و مقننب  
 و مجتث و تقارب موسوم ساخته و ابوالحسن انخشی بخری دیگر که متدارک  
 نام دارد بر آن اضافه کرده و متاخرین سه بحر دیگر مسمی بقریب و جدید  
 و شاکل ایجاد کرده اند لیکن چونکه اکثر عافات آن خالی از اشتباه و  
 التباس نیست لهذا ترک شد و در دیوان هیچ یکی از اساتذہ شعری  
 برین اوزان یافته نمی شود کذا فی حدائق البلاغت و اکثر مورخین  
 بر آنند که اول کسیکه شعر فارسی گفت بهرام گور است روزی لشکرا  
 رفته بود شیر بر اصد کرد و از غایت بشاشت این مصرع بر زبانش گذشت  
 منم ان پسیل مان و نم ان شیر لبه

دلارام جنبلی که حسب مویش بود در مقابل آن این مصرع بجزرسانید

نام پسر ام ترا و پرت بوجه

و صاحب تاریخ صیغ صادق آورده که اول کسیکه بعد پسر ام در عهد  
اسلام شعر فارسی ایجاد کرد و خواجده عباس مروی است که چون مامون خلیفه  
عباسی در ابتهای مائتة ثالثه برورفت وی تصبیه مدحیه و در  
زبان فارسی گزراپند و هزار و درم صد یافت و همین قدر وظیفه او  
بطریق سالیانه مقرر گردید این دو بیت از آن تصبیه است  
ای رسانیده بدولت فرقی خود تا فرسیدین

کتر اینده بجز و فضل در عالم بدین

مخلافت را تو شایسته چو مردم دیده را

دین یزدان را تو بایسته چو خراهر دو عین

بالجمله تا حد و ثلث مائتة هجری جماعتی قلیل اندک اندک شعره گفته اند  
اما کسی بعد ازین نبرد انشته تا اینک در عهد سلاطین سامانیه استاد  
ابوالحسن رودکی سمرقندی صدرارای ایوان شاعری گشته دیوان  
شعر ترتیب داد و غالب اهتمام قدام در مدایح و نصایح بود از آن میان  
ابوالقاسم فردوسی طوسی در عهد سلطان محمود غزنوی شهنوی را بعد کمال  
رسانید و او حدالدین انوری خاوری در عهد سلطان سنجر سلجوقی

قصیده را رونقی تازه بخشید و شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی  
 را پیشروای مستقران است که شیخ سخنوری پیش از وی طریق عربی  
 را بدین اسلوب لطیف زبانه کرده و حضرت امیر و دولتی قدس سره  
 در هیچ اتسام نظم شیرین کلامی گویی سبقت از میان بلاغت ربوده بعد  
 از آن در زمان سلطان حسین میرزا اولی نیراسان مولانا عبدالرحمن حسامی  
 و بابا فغانی و اهل شیرازی و اصفهانی، تالشی، غنچه سرهم از روش منتقدین  
 اند که تجاوز کرده بطرز خاص سخن ایراگشتند پس از آن جمعی از سخن بیان  
 مثل محترم کاشی و وحشی نیرودی و سانی و نسیری صفاهانی  
 آن طور خاص را روشن تر ساخته حسن دیگر بخشیدند اما دیگر محضران آنجا  
 چون حسین ثنائی و ملک قمی و عربی شیرازی و لطیفی نیشاپوری  
 و شیخ علی نقی کمره و شیخ ابوالفیض فیضی و حکیم شرفانی و کرمانی و سبکی  
 یکبارگی سرگوش پیشیان شده طریقی جدید بر روی کار آورده و سحر سامری  
 و انمودند و میرزا جمال اسیربانی بنیاد خیال بندی گردید و شوکت بخندی اگر انازک  
 تر ساخت و شیخ ناصر علی سهرندی و موسوی خان فطرت و محمد افضل سرخوش  
 خیال را به مرتبه افقی رسانیدند که دست هر نابالغ بدان نرسد و غنچه  
 کشیری و میرزا سائب اصفهانی در صنعت تشبیل بی مثل برآمدند  
 پس در عصری از عصا شعری بلاغت شعرا در کان نقاشی بر چیده

بازار سخن سنجی را گرم ساختند و موجد آئینی و واضع قانونی گشت نیز نوبت  
 نبوت کنند فصاحت را به شمار شاعری جهانیندند و مرتبه شعر را به بیوق  
 و شعر را ساینند و شعر برده قسم منقسم است اول غزل و آن چپت بیت است  
 متحد الوزن و قافیه اما در بیت اول لازم است که هر دو شعر بر یک  
 قافیه باشد و آنرا مطلع نامند و بیت ثانی را حسن مطلع و آن اقل از  
 پنج بیت و اکثر از دوازده نیست اما بعضی بر آن افزوده اند و غالباً  
 در غزل ذکر جمال محبوب و بیان مراتب عشق و محبت می باشد و سخن  
 است که اسم شاعر در بیت اخیر بود و آنرا مقطع گویند و دوم قصیده که  
 باشد غزل اما اکثر مضمون آن بمدح و موعظت اشتمال دارد و شرط  
 است که زیاده از دوازده بیت بود و اکثر از حدی معین نیست  
 فاما تاخرین شعرهای عجمه و بیت بیت قرار داده اند و اشعار اوایل قصیده  
 که شش بر ذکر شباب و عشق و بهار و غیره بود و اکثر شیب نام نهند  
 و شعر که مشعر انتقال بمدح است آنرا مخلص و گریز نامند  
 و بیشتر ختم آن بر ابیات دعائیه می کند و قصیده  
 که در آن تشبیه نبود و ابته از مدح گرفته شود آن موسوم  
 بجد است و سیم قطع و آن عبارتست از پیتی چپت متحد الوزن  
 و قافیه بدون مطلع و آن گویا پاره ایست از قصیده و اقل آن

دو بیت واکشش حدی معین ندارد لیکن شرط است که قبل از  
 قصیده باشد چهارم رباعی و آن دو بیت است فقط مخصوص بحر  
 خمرج بر وزن لا حول و لا قوة الا بالله که از حسانات آن بحر بیت و  
 چهار وزن پیدا کرد و پاره اما در بیت اول قافی شرط است و در بیت  
 دوم شرط نیست و آنرا از دو بیتی نیز گویند پنجم سه دو آن دو  
 مصرع است و قافی باشد یا نباشد ششم ثنوی و آن اینست که  
 هر بیتش با بیت دیگر متفق الوزن مختلف القافی بود و آن شعری عم  
 بر هفت وزن مشهور قرار داده اند و حضرت امیر خسرو دهلوی قدس  
 سره دو وزن دیگر بر آن افزود و یکی از بحر قافی مشتمل چون -  
 تو این ثنویات سبعه ابر برانی شود منکشف بر تو سبع الثانی  
 که در هر مصرع تکرار فعلون چهار بار است دوم از بحر سربیع مسدس  
 آمده این هفت کل تازه تر تازه کن رونق گلزار همنز  
 که در هر مصرع لفظ متعلق سه بار مکرر میشود مولانا جامی روح در خطبه  
 ثنویات هفت اورنگ میفرماید که برای ثنوی وزنی که جامع هفت  
 غنویت باشد سوای این هفت نیست و آنکه امیر خسرو دهلوی روح دو  
 وزن دیگر بر آورده سلامت طبع حاکم است که اول از وصف هفت  
 دوم از صفت غنویت خالی است هفتم ترجمه بند که عبارت است

از چند غزل متحد و الوزن مختلف القوافی که در آخر هر غزل فردی ذوالقافیة  
کمر آرد و آن بحسب المعنی یا بیت سابق مربوط بود ششم ترکیب بند و آن  
مثل ترجیح است اما فرق اینک در ترکیب بند هر بیتیک بعد غزل میآید  
جداگانه میباید شد و آنرا دوا سوخت نیز گویند در نظم تسمیط و آن عبارت  
از چند مصرع است متفق الوزن و القافیة در بند اول و در باقی مصرع  
آخر مطابق بند اول میآیند پس اگر مصرعها منتهی است مثلث  
نامند و استعمالش بسیار قلیل است و اگر چهار است سبج و سرج  
و چار در چار گویند و اگر پنجیت پنجس موسوم باشند و شش و هفت و  
بشت و نه و ده مصرعی را سدس و سبج و شش و سبج و شش نامینند  
و در صورت تسمیط هشت قسم بود و از آن استعمال مزج و بخش و مسترس  
بیشتر است و باقی اقسام اکثر غیر متمم در هم مستترند که بعد هر مصرع  
نقره از نثر زیاده کنند که بحسب المعنی یا باقی قبل مربوط بود و بعضی این  
نقره را بعد هر بیت میآیند اما اول بیشتر و نوشته است و این تذکره از این  
ده قسم خللی نیست اگر چه بعضی از اقسام تسمیط و قلیل استعمال است  
و در آن یافت نشود و الله تعالی اعلم بالصواب حرف الالف عند ربیب  
گلستان خدا گواهی بخیر السادات صیبر الهی که از اکابر اسرار  
آب و من متعلقات همدران است بطبع همدران در نظم گسترده پندیده

سخنوران و بهتانت و لطافت کلام برگزیده نظم گستران مدته  
 در صفایان گذر اینده بصحبت حکیم شفقانی و آقا رضی رسیده آخر  
 الامر پهنه و ستان بجهت نشان بر خورده و بسک ملازمین شاه  
 جهانی منسلک گردید و خوش اخلاق در رویش سیرت بوده و نزد  
 اعظم روزگار عزت و اعتبار بیش از پیش حاصل نمود و در سنه  
 ۱۰۶۴<sup>ق</sup> در بغداد و سنین و الف ره نورد سفر آخرت گشت از افکار  
 خوش و اشعار دلکش اوست

مطلع خورشید میا ز درخت کاشانه را

سوده میگرد زبان در وصف زلفت شمارا

<p>موی سفید شد نسکی بر کباب ما          خط مشکینت کتاب حن را شیرازه بست          چون شمار آلود نتواند لب از خمیازه بست          عاشق بملت تو دو عارف بدین خویش          زلف تو شکن بر جود سنبل نگذاشت          گل نوبت فریاد به بلبل نگذاشت          چون غنچه چیده خنده ام رفت زیاد          نالان چو سبوی خالیم در ره باد</p>	<p>دل خود بر روزگار جوانی کباب بود          چشمت از هر گروشی با باز عهد تازه بست          نشه از تیغ او دارم که چساک سینام          عیب و بهر نجوی الهی ز کفر دین          رباعیا رخسار تو آب در رخ گل نگذاشت          تا چون بهار از گلستان رفت          از دوریت ای تازه گل باغ مراد          گریبان چو پیاله پریم در کف دست</p>
--	--



سرست جام وحدت و سرخوشش باده محبت شیخ الاسلام ابوالفتح  
 احمد جام قدس سره که از اولاد جریر بن عبداللہ حبلی صحابی و سرید  
 و خلیفہ شیخ ابوسعید بن ابوالخسیر است رتبه کمالاتش عالی و مرتبه  
 خرق عاداتش متعالی صدر آرای ایوان حقیقت و جلوه پیرای میدانی  
 طریقت صحاب عرفا را پیشوا و ارباب ایقانرا مقتداست ولادت  
 با سعادتش در سنه امدی و اربعین<sup>اعلی</sup> و اربعین و وفاتش شریفش در  
 سنه ۵۳۶ مت و تلیش و خسمات بود از کلمات طیبات او است

آندم که روح رانن خاکی قرین نبود	جز دماغ بندگی تو اش بر حبس نبود
آندم که با بار امانت در آمیدیم	جبریل دورتر ازانه رحمت امین نبود
آندم که عشق بر سر کوی تو خاد ساخت	آدم هنوز محرم خلد برین نبود
آندم که گرمی نفس ما جهان بست	خورشید را زبانه هنوز آتشین نبود
رباعیات تا یکسر موی در تو هستی باقی است	آین روگان خود پرستی باقی است
گفتی بت پندار شکستم رستم	آین بت که ز پندار شکستی باقی است
چشمم که سرشک لاله کون آورده	بر هر شزه قطره های خون آورده
نی نی بنظر آره اش دل خون شده ام	از روزان دیده سر برون آورده
سور و فیوضات ربانی محبط انوار سبحانی تطیب با سدرام	
غوث البانام شیخ ابو شریح علی بن جعفر نحرانی که در عالم روحانی	

از سلطان العارفين شيخ بايزيد بسطامي قدس سره السامی  
 تربیت یافته بمرتبه کمال تکمیل رسید وفات تشریفش روز  
 عاشوره ۱۴۲۵ هجری قمری در رجبه واقع گردیده از کلام معجز نظام  
 او است. رباعیات

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من	دین حرف معانه تو خوانی و نه من
هست از پس پرده گفتگوی من و تو	گر پرده برافت نه دانی و نه من
آن دوست که دیدنش بسیار بد چشم	بی دیدنش از گریه نیاساید چشم
مرا ز برای دیدنش باید چشم	و دوست نهیند بچکار آید چشم

گویند روز عید الضحی پسر شیخ گفته شد این رباعیات گفته

عاشاکه من از حکم تو افغان کنی	یا خود نفسی خلاف فرمان کنی
صدقه بین دیگرم پایستی	تا روز چنین بجز تو سد بان کنی

سلطان مملکت توحید شهریار اقلیم تفرید صاحب السیر و الطیر

شیخ ابو سعید فضل الله بن ابی الحسین مرید و خلیفه شیخ ابوالفضل  
 بن آمن شرقی که کلمات با صوره موصوف و کرامات طاهره مشهور و  
 معروف بود در سنه ۱۴۱۰ هجری قمری در رجبه از دار الملل از دست کده وصال  
 فایز گردیده این چند رباعی از نتایج طبع والای او است. رباعیات  
 ستر تا سر دشت خاوران سنکلی نیست | کز خون دل و دیده بر آتشنگی نیست